

بانکها نیست، اما دور از عدالت و انصاف است که تخلف یک فرد را به کل شبکه بانکی تسری دهیم و درباره همه یک حکم را جاری کنیم.

البته شاید حساسیت جامعه به این خاطر باشد که در بین هزاران نفر کارکنان بانکها که امین مردم هستند، نباید حتی چند نفر افراد خاطی هم وجود داشته باشند. ما هم به همین اصل معتقدیم، ولی باید توجه داشت که ایمان و اعتقاد همه افراد یکسان نیست. اما به هر حال، جای نگرانی برای سرده گزاران بانکها وجود ندارد، زیرا سرده آنان نزد بانکها تعهد و تضمین شده است.

علیرغم موارد فوق، بانکها نیاز به ادارات بازرسی و بازرسان قوی دارند تا همواره و به طور منظم عملیات شعب را مورد ارزیابی قرار دهند تا ما شاهد اینگونه موارد - حتی به میزان اندک هم - نباشیم.

چند فقره اختلاس اتفاق می افتد؟ آمار و اطلاعات موجود نشان دهنده این واقعیت است که سوء استفاده های بعمل آمده در کل شبکه بانکی، با توجه به گستردگی شعب و میزان نقل و انتقال روزانه، در هر سال از تعداد انگشتان دست هم تجاوز نمی نماید. وجوه مورد سوء استفاده نیز درصد بسیار ناچیزی از کل عملیات می باشد، زیرا اکثریت متخلفان از طریق مراجع قضایی مجازات می شوند و وجوه مورد اختلاس برگردانده می شود. بانک، یک مؤسسه اقتصادی مالی است. بنابراین، فکر اینگونه سوء استفاده های احتمالی و با سرقت ها را نیز کرده است و کلیه شعب بانکها تا سقف معینی (با توجه به درجه شعب) بیمه می باشند.

بنابراین، اینگونه خطرات بخش جدایی ناپذیر فعالیت های مالی می باشند و حق این است که چنانچه اتفاقی در یک بانک یا شعبه افتاد، ما کلیه شبکه بانکی را زیر سوال نبریم. بدیهی است که هدف ما جانبداری از پرسنل زحمتکش

به سوی معیارهای تازه بانکداری جهانی

پیشنادهای کمیته بال درباره ارزیابی سلامت مالی بانکها

مأخذ: Finance and Development, Dec. 2002
نویسندگان: Michael W. Taylor و Cem Karacadag
مترجم: فریده تذهیبی

ظهور و در حال توسعه - و همچنین، در بیشتر بانکها - حتی آنهایی که فقط فعالیت های داخلی دارند - اجرا می شود. بنابراین، پیشنهاد های اخیر کمیته بال برای به روز کردن توافق قبلی، که هم اکنون ۱۲ سال از آن می گذرد، مسایل مهمی را که بر بسیاری از کشورها - از جمله گروه کوچکی که در کمیته نماینده دارند - تأثیر می گذارد، مطرح می کند. کمیته به این موضوع واقف است و به این جهت مشاوره های گسترده ای را در مورد پیشنهاد های خود انجام می دهد.

هدف اصلی بیانیه جلوگیری از کاهش سرمایه بانکها است که در بیشتر سال های قرن بیستم مشاهده شده است. همچنین، قصد این است که زمینه فعالیت را برای بانک های فعال بین المللی همسان نماید (نمودار شماره یک نشان دهنده نحوه کاهش سرمایه بانکها در کانادا، بریتانیای کبیر و امریکاست).

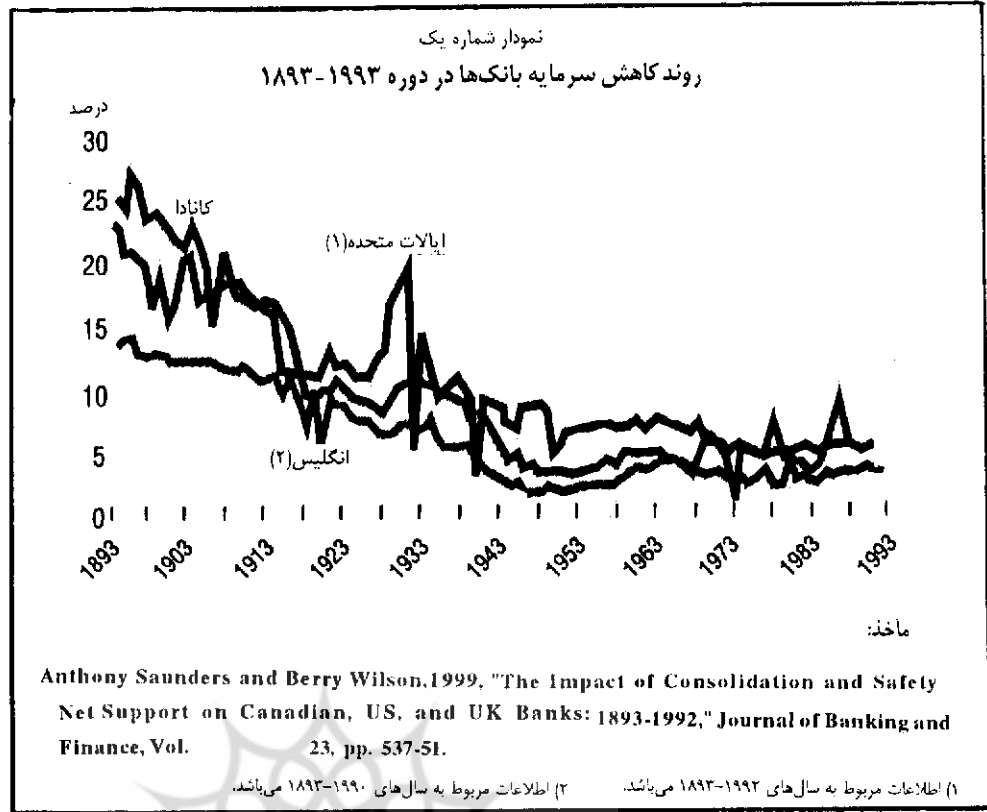
برای دستیابی به این اهداف، کمیته بال چارچوب ساده ای

چارچوب پیشنهاد های جدید کمیته بال در مورد کفایت سرمایه برای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته پیامدهای مشابهی خواهد داشت. گرچه هنوز تکانه جزئی بسیاری باقی مانده است، ولی کشورها باید از هم اکنون خود را برای اجرای آن آماده کنند.

بیانیه کفایت سرمایه کمیته بال، از آغاز اجرای آن در سال ۱۹۸۸، معیاری جهانی برای ارزیابی سلامت مالی بانکها شده است.

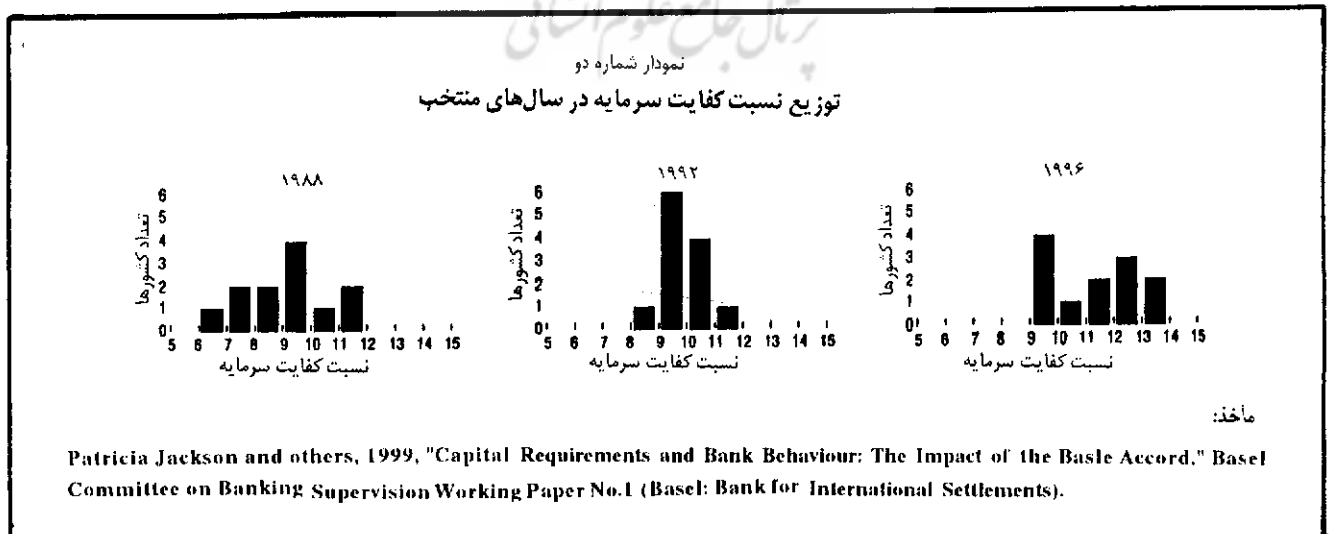
نتیجه توافق اعضای کمیته نظارتی بانکی بال، که از نظار کشورهای عضو گروه ۱۰ تشکیل شده بود، این بود که بیانیه فقط برای بانک های فعال بین المللی که مرکز بانکی آنها کشورهای گروه ۱۰ است، به کار گرفته شود، اما هم اکنون این بیانیه در بیشتر کشورها - اعم از صنعتی، کشورهای در حال

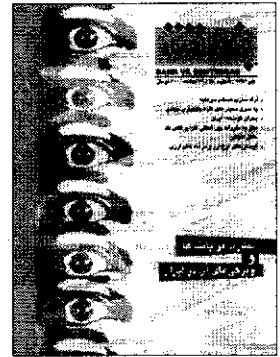
○ مطابق روش کمیته بال، کل دارایی های هر بانک بعد از اینکه رقم هر دارایی ضرب در میزان ریسک مربوطه شود، باید ۸ درصد سرمایه باشند.



کل دارایی‌های بانک‌ها بعد از اینکه رقم هر دارایی ضرب در میزان ریسک مربوطه شد، ۸ درصد سرمایه باشد. گرچه این روش تا اندازه‌ای خام است و مثلاً برای تأثیر تنوع پرتفوی بانک جایی را باقی نمی‌گذارد. با وجود این، مزایایی نیز دارد: از نظر بکارگیری، نسبتاً ساده است و معیار اندازه‌گیری قابل مقایسه و قابل تطبیقی را برای ارزیابی سلامت مالی بانک فراهم می‌آورد. به علاوه، در سال‌های اول دهه ۱۹۹۰ با اجرای این بیانیه، کاهش نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها در بیشتر کشورهای عضو گروه ۱۰ ابتدا متوقف شد و سپس این روند معکوس گردید (نمودار شماره دو).

را برای اندازه‌گیری طراحی کرده است که به موجب آن، تمام دارایی بانک‌ها را - بسته به میزان ریسک اعتباری وام‌گیرنده - به چهار دسته با وزن ریسک از صفر تا ۱۰۰ درصد طبقه‌بندی می‌کند. بنابراین، وام یک بانک به یک شرکت تجاری ۱۰۰ درصد ریسک دارد. در حالیکه وام یک بانک داخلی به بانک مرکزی و به پول ملی (وامی که به نحو مؤثری بدون ریسک است) با صفر درصد ریسک ارزیابی می‌شود. در این چارچوب، وام‌های بین بانکی عموماً ۲۰ درصد وزن ریسک دارند. روش کمیته بال، بانک‌ها را ملزم می‌کند که نسبت به کل دارایی‌های موزون به ریسک، حداقل میزان سرمایه را داشته باشند، یعنی





کمیته بال هم‌اکنون به چند دلیل تصمیم به تجدیدنظر در بیانیه گرفته است. یکی از مهمترین دلایل آنست که در دوازده سال گذشته، فن‌آوری‌های جدید مدیریت ریسک گسترش وسیعی یافته، به طریقی که بیانیه را به نحو روزافزونی قدیمی جلوه می‌دهد. بسیاری از بانک‌های تراز اول استدلال می‌کنند که مدیریت ریسک داخلی خود آنها ارزیابی بهتری را نسبت به چارچوب بیانیه بال ارائه می‌دهد، زیرا آنها معتقدند که بیانیه با داشتن طبقه‌بندی وسیع، وجه تمایز کافی برای دسته‌بندی دارایی بانک‌ها ارائه نمی‌دهد.

دومین دلیل، تأثیر ابداعات جدید در دنیای مالی است، به نحوی که بانک‌ها با زیرکی از رعایت ضوابط کفایت سرمایه می‌گریزند. بنابراین، ابداعات جدید مانند ایمن سازی (Securitization) و ابزار مالی فرعی تا حدی از ضوابط کمیته بال کنار گذاشته شده و بروز این ابداعات تأثیر ضوابط بیانیه را کاهش داده است. گرچه بیانیه در ابتدا بانک‌های کشورهای عضو گروه ۱۰ را مجبور کرد که سرمایه خود را بیش از میزانی که در دهه ابداعات جدید ریسک‌ها را بالا برده بود و چارچوب معیارها آنها را در بر نمی‌گرفت، افزایش دهند، با وجود این، در عمل به نحو روزافزونی کمتر الزام آور می‌شد.

انتخاب‌ها برای تجدیدنظر

در ماه ژوئیه ۱۹۹۹، کمیته بال یک سند مشورتی را منتشر کرد که برای اصلاح بیانیه تعدادی گزینه را معرفی می‌نمود. این سند سه قطب اساسی داشت:

- اصلاح چارچوب نحوه محاسبه کفایت سرمایه.
- ارائه فرآیند بررسی به منظور نظارت.
- تقویت نظم بازار.

قصد این بود که سه قطب متقابلاً همدیگر را تقویت کنند. هدف کلی هم تعیین معیار کفایت سرمایه‌ای بود که قسمتی از بهبود نحوه عمل جدید مدیریت ریسک را در برگیرد، ضمن این که لزوم رعایت حداقل کفایت سرمایه را از نظر نظارتی همچنان پابرجا نگهدارد.

اصلاح چارچوب نحوه محاسبه نسبت کفایت سرمایه: بیشترین توجه به پیشنهاد کمیته بال تا به حال روی قطب اول متمرکز شده است. هدف کمیته این بوده است که برای ایجاد ارتباط هر چه دقیقتر بین طبقه‌بندی وزن ریسک‌ها با ریسک‌های اقتصادی متفاوتی که بانک‌ها با آن مواجه هستند، پالایش بیشتری روی سیستم موجود انجام دهد. هر چند که دستیابی به این هدف به وضوح مطلوب می‌نماید، اما ثابت شده است که انجام آن بیش از حد انتظار مشکل است. روش پیشنهادی اولیه کمیته، که به کارگیری مؤسسات رتبه‌بندی تعیین شده توسط مؤسسات متخصص رتبه‌بندی را توصیه می‌کرد، با انتقادات زیادی روبرو شد. بیشتر بحث‌های انتقادی هم روی دقت و صحت رتبه‌بندی‌ها بود. در این رابطه استدلال می‌شد که مؤسسات رتبه‌بندی در پیش‌بینی‌های خود اشتباه می‌کنند. این نظر با ادعای این که مؤسسات رتبه‌بندی

توانسته‌اند بحران پولی آسیا را قبل از اینکه در ۹۸-۱۹۹۷ اتفاق بیفتد، پیش‌بینی کنند، تقویت می‌شد. نگرانی دیگر این بود که استفاده از نظریات مؤسسات رتبه‌بندی می‌تواند هم ورود و هم خروج سرمایه را افزایش دهد و بنابراین، احتمالاً بیش از آنچه از شانس تکرار بحران آسیا جلوگیری نماید، آن را افزایش می‌دهد. بعضی از کشورهای آسیا جلوه‌گری نمایند، آن را افزایش می‌دهند. بعضی از کشورهای آسیا جلوه‌گری نمایند، آن را افزایش می‌دهند. بعضی از کشورهای آسیا جلوه‌گری نمایند، آن را افزایش می‌دهند. بعضی از کشورهای آسیا جلوه‌گری نمایند، آن را افزایش می‌دهند. بعضی از کشورهای آسیا جلوه‌گری نمایند، آن را افزایش می‌دهند.

البته بسیاری از انتقادات وارده به مؤسسات رتبه‌بندی مبالغه‌آمیز است. همانطور که گزارش سال ۱۹۹۹ صندوق بین‌المللی پول در مورد بازارهای بین‌المللی سرمایه اشاره می‌کند، دلیل اینکه مؤسسات رتبه‌بندی توانسته‌اند بحران مالی آسیا را پیش‌بینی کنند، بی‌شبهت به دلایل دیگر ناظران مالی، از جمله مؤسسات مالی بین‌المللی، نبود. در واقع، همه آنها از پیشامد این بحران به‌تازگی آگاه شدند. به تجربه ثابت شده است که اتهامات معطوف به این مؤسسات، مبنی بر اینکه استفاده از خدمات آنها در مورد اندازه‌گیری ریسک، جریان ورود و خروج سرمایه را ادواری می‌کند، چندان صحیح نیست. رتبه‌بندی‌ها در طی زمان دارای ثبات بوده و واکنش مؤسسات رتبه‌بندی در مقابل بحران آسیا بسیار کمتر از شرکت‌کنندگان در بازار مالی دستخوش تغییر بوده است.

به هر حال، انتخاب صحیح مؤسسات رتبه‌بندی شرط اصلی موفقیت در تعیین درجه ریسک اعتبارات خارجی است. کمیته بال، برای شناسایی مؤسسات رتبه‌بندی از نقطه‌نظر نظارتی معیارهای چندی را پیشنهاد کرده است، اما برقراری توازن صحیح بین بکارگیری معیار شایسته نظارتی و اجتناب از ایجاد موانع زیاد برای ورود و استفاده از خدمات صنعت مالی امری دشوار است. تجربه ناظران سهام در تأیید رتبه‌بندی‌ها برای بهره‌برداری خود با اهداف نظارتی متفاوت می‌تواند در این مورد راهنمای خوبی باشد. ناظران بازار سهام به این نتیجه رسیده‌اند که شهرت مؤسسات رتبه‌بندی مهم‌ترین سرمایه آنهاست، در عین حال که مانع اصلی ورود آنها به بازار نیز هست. بنابر همین استنتاج، کمیسیون سهام و ارز ایالات متحده در تصمیم در مورد صدور مجوز استفاده از خدمات مؤسسات رتبه‌بندی از نقطه‌نظر نظارتی، تکیه بسیار به نظریات شرکت‌کنندگان بازار می‌نماید. این امر نشان می‌دهد که به خصوص در بازار کشورهای توسعه‌یافته، معیار انتخاب و تأیید مؤسسات رتبه‌بندی تا حد زیادی به داده‌های بازار توجه دارد. حتی در شرایطی که داده‌های بازار اساسی و کافی است، ممکن است فرآیند غیرمتمرکز تأیید مؤسسات رتبه‌بندی به نحوی ناهماهنگ باشد که اجرای بیانیه را در کشورها مورد تردید قرار دهد. در نتیجه، فرآیند تأیید مؤسسات رتبه‌بندی باید متمرکز شود و شاید بتوان مجمعی متشکل از نمایندگان

○ انتخاب صحیح مؤسسات رتبه‌بندی، شرط اصلی موفقیت در تعیین درجه ریسک اعتبارات خارجی است.



سیستم‌های رتبه‌بندی نیز برای مقاصد مختلف به کار می‌روند: بعضی از بانک‌ها برای تشخیص چگونگی کاهش کیفیت وام‌ها از رتبه‌بندی استفاده می‌کنند، در حالی که بانک‌های دیگر برای محاسبه سوددهی داخلی و در نتیجه، برای ارزیابی و پرداخت پاداش به کارمندان مسوول وام‌دهی از این سیستم استفاده می‌نمایند. بدین ترتیب، واضح است که چنانچه سیستم‌های کنترل داخلی بانک‌ها بخواهند برای مقاصد نظارتی به کار گرفته شوند، استاندارد کردن بیشتر آنها لازم است و تمایل فعلی کمیته بال در مورد این سیستم‌ها نیز شروع یک فرآیند طولانی توسعه بیشتر و تکمیل و پالایش آنهاست.

تغییر جهت بالقوه به سوی ضوابط مبتنی بر «عمل‌گرایی و روش کار» ملاحظات مهمی را برای ناظران بانکی غیرعضو کشورهای گروه ۱۰ ایجاد کرده است. بیشتر بانک‌های این کشورها، روش‌های پیشرفته و پیچیده مقابله با ریسک داخلی را، که مبنای نحوه برخورد متفاوت پیشنهاد شده توسط کمیته بال به معیارهای ریسک است، به کار نمی‌گیرند. در نتیجه، بیشتر نظار بانکی احتمالاً در آینده قابل پیش‌بینی نیز همچنان به بکارگیری مبنای استاندارد «مبتنی بر ضوابط» تکیه خواهند کرد. در حقیقت، تعداد کمی از بانک‌های دنیا هم‌اکنون دارای چنان سیستم‌های پیشرفته و کارآمد مدیریت ریسک هستند که بتوانند از عهده آزمون‌هایی که کمیته بال احتمالاً مقرر خواهد داشت، برآیند. بنابراین، انتظار می‌رود که بیشتر بانک‌ها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، همچنان مبنای استاندارد را به کار برند و در عین حال، هر نوع تغییر و بالایشی را که کمیته بالا در مورد آن تصمیم بگیرد، در سیستم خود به کار گیرند.

در حال حاضر، روشن نیست که کمیته بالاً قصد دارد نسبت حداقل کفایت سرمایه را در سطح ۸ درصد نگاهدارد یا آنرا با الزام دیگری جایگزین کند. آنچه کمیته آن را روشن ساخته است، این است که پیشنهادهای آرایه شده توسط کمیته، بانک‌ها را ملزم خواهد ساخت که سرمایه خود را به فعالیت‌های متنوع و گوناگون تخصیص دهند نه اینکه آنها را ملزم به نگاهداری کل سرمایه لازم نماید. به هر حال، حتی در کشورهایی که روش‌های تجدیدنظر شده استاندارد را به نحو گسترده‌ای به کار می‌گیرند، این اصل مهم است که نسبت ۸ درصد کفایت سرمایه - یا نسبت جانشین آن - به روشنی به عنوان حداقل الزام شناخته شده باشد. کشورهایی که در شرایط کلان اقتصادی ناپایدار و دارای ریسک قرار دارند، باید بانک‌های خود را ملزم سازند که نسبت‌های بالاتری از کفایت سرمایه را داشته باشند، همانطور که در عمل نیز بسیاری از آنها چنین کرده‌اند. در عین حال، نظار بانکی در کشورهای دارنده بازارهای در حال ظهور نیاز دارند که به اقدامات خود در جهت اصلاح معیارها و روش‌های وام‌دهی و ارزیابی وثیقه‌ها، طبقه‌بندی وام‌ها و ایجاد ذخیره برای زیان‌های ناشی از وام‌دهی ادامه دهند، زیرا بدون انجام این اصلاحات، نسبت کفایت سرمایه به تنهایی شاخص قابل اعتمادی برای محکم بودن وضعیت مالی یک بانک نخواهد بود.

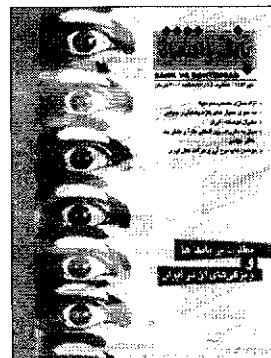
گروه‌های نظارتی با شرکت مؤسسات مالی بین‌المللی را به این منظور ایجاد کرد.

انتقاداتی که نسبت به درجه‌بندی خارج از بانک‌ها و کشورهای می‌شد نیز کمیته بال را بر آن داشت که تأکید بیشتری روی شقوق دیگر بنماید. این نگرش در سند مشورتی کمیته بال منعکس شد، بدین معنی که به بانک‌ها اجازه داده می‌شود تا ارزیابی داخلی از وضع خود بنمایند و تصمیم بگیرند که نسبت کفایت سرمایه خود را در چه حدی باید نگهدارند. این تغییر را شاید بتوان به عنوان حرکتی از مقررات «بر مبنای ضوابط» به سوی مقررات «بر مبنای عمل‌گرایی و روش کار» تعبیر کرد. در حالی که بنیانه اصلی کمیته بال ضوابط محاسبه سرمایه را به نحوی توصیف می‌کرد که رتبه‌بندی از خارج باید بیشتر مورد دقت قرار گیرد، اما در روش تعیین رتبه‌بندی در داخل، تأکید بر ارزیابی کیفیت فرآیند مدیریت ریسک خود بانک‌ها می‌باشد. تغییری که در این تأکید ایجاد شده، به موازات اصلاحیه ۱۹۹۶ در ارتباط با ریسک بازار بیانیه بال است که اجازه می‌داد بانک‌ها مدل‌های ارزش مواجهه با ریسک (Value-at-Risk) خود را به شرط تأیید مقامات نظارتی، به عنوانی شق ثانی برای محاسبه استاندارد الزامات سرمایه در مقابل ریسک بازار به کار گیرند. پیشنهادهای جدید هم در جهت تسری این فلسفه بر ریسک اعتباری آرایه شده‌اند.

مدل‌های ریسک اعتباری که از بسیاری از تکنیک‌های آساری ارزش مواجهه با ریسک (VaR) استفاده می‌کنند، هم‌اکنون ز پیشرفته‌ترین روش‌های مدیریت ریسک به شمار می‌روند. در اینگونه مدل‌های ریسک اعتباری، کوشش می‌شود که براساس آمارهای عدم پرداخت در گذشته یک پرتقوی شبیه‌سازی شده به دست آید. به هر حال، به نظر کمیته بال، یکی از مشکلات این نحوه برخورد این است که مدل‌های ریسک اعتباری برای بکارگیری در موارد نظارتی به اندازه کافی پالایش نشده است. مشکلات اساسی در مورد مستدل بودن و آزمایش مجدد مدل‌های ریسک اعتباری نیز همچنان باقی است. مثلاً آمارهای موجود از موارد عدم پرداخت وام‌ها مانند ارقام تغییرات قیمت سهام جامع نیستند تا عملاً بتوانند در مدل‌های VaR برای ارزیابی ریسک بازار مورد استفاده قرار گیرند. تا زمانی که این مسائل حل نشوند، ممکن نیست که مدل‌های ریسک اعتباری همان نقشی را که مدل‌های VaR از سال ۱۹۹۶ در ارزیابی ریسک بازار ایفا کردند، برای ارزیابی کفایت سرمایه بانک‌ها بازی کنند.

نتیجتاً کمیته بال پیشنهاد می‌کند که ارزیابی سیستم‌های داخلی بانک‌ها به کار گرفته شود. از جنبه نظری، این روش باید نسبت به بکارگیری سیستم رتبه‌بندی خارجی امتیازاتی داشته باشد، زیرا در این سیستم، از ارقام و آمارهای صحیحی استفاده می‌شود که معمولاً برای عموم در سطح وسیع قابل دسترس نیست، اما مطالعاتی که در مورد این سیستم به عمل آمده، نشان می‌دهد که از این نظر بانک‌ها با یکدیگر تفاوت زیادی دارند: درجه‌بندی ریسک در بعضی کاملاً مبتنی بر آمار است، در حالی که دیگران معیارهای قضواتی را به کار می‌گیرند. خود

○ در حال حاضر، تعداد کمی از بانک‌های دنیا دارای چنان سیستم‌های پیشرفت و کارآمد برای مدیریت ریسک هستند که بتوانند از عهده آزمون‌های کمیته بال برآیند.



تبعی از سهامداران اخذ نمایند. هدف از این پیشنهاد این است که سرمایه‌گذارانی را که انگیزه‌های آنها با نظار بانکی و سازمان‌های حمایت‌کننده از سیره‌گذاران هماهنگ است، جلب نماید تا این سرمایه‌گذاران فعالانه تلاش بانک‌ها را برای استقرار نظم مورد کنترلی و تجزیه و تحلیل قرار دهند. بیست‌بررسی‌ها در مورد استفاده از وام‌های تبعی، روی بهره‌برداری بالقوه از آنها در دنیای پیشرفته، به خصوص در ایالات متحده متمرکز است. اما قبل از اینکه این وام‌ها به عنوان قسمتی از معیارهای بانکی پذیرفته شوند، باید قابل اعمال بودن آنها در کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شود. مثلاً سوال مهم این است که آیا عمق و وسعت بازار سهام در کشورهای مختلف در حال توسعه در حدی هست که امکان انتشار اوراق به میزان معینی را فراهم آورد؟ و نقدینگی لازم را برای آنگونه قیمت‌سازی دارد که اطلاعات با ارزشی را بتوان از آنها به دست آورد؟ از طرف دیگر، فرض بحث سوم وجود تعدادی مؤسسات مالی غیربانکی را که در اوراق بهادار سرمایه‌گذاری می‌کنند، بدیهی دانسته است، در حالی که در بسیاری از بازارهای اقتصادی کشورهای در حال ظهور، چنین مؤسساتی وجود ندارند.

هر چند که این مسایل قابل بررسی به نظر می‌رسند. اما پیشنهادهای اجباری مربوط به وام‌های تبعی نباید به عنوان راه حل و چاره همه مشکلات مربوط به نظم بازار تلقی شوند، بلکه باید آنها را به عنوان یکی از عوامل دسته‌ای از سیاست‌های طراحی شده برای بهره‌برداری از نظام بازار در نظر گرفت. این سیاست‌ها باید شامل معیارهای حسابرسی دقیق و آشکارسازی، انگیزه سازگاری (بر مبنای ریسک) با شبکه ایمنی مالی، سیاست دقیق عدم نجات بانک‌های ورشکسته و باز بودن به روی مالکیت خارجی و رقابت باشد.

نتیجه

بدون شک، پیشنهادهای کمیته بال بازنتاب‌های مهمی برای بسیاری از کشورها خواهد داشت، نه تنها برای جریان سرمایه، بلکه در مورد طبیعت و نحوه نظارتی که بایستی اجرا شود. گرچه هنوز در مورد جزئیات این پیشنهادها بایستی تصمیم گرفته شود، ولی اصول اساسی آنها روشن است و لازم است که کشورها از هم‌اکنون خود را برای آن آماده کنند.

برگرفته از روند

ارتقا و بازنگری کیفیت نظارت: قطب دوم نظریات کمیته بال، بازنگری نحوه نظارت است. هدف این بازنگری این است که تاکید شود نظارت بر بانک‌ها فقط توجه و در نظر گرفتن یک سری ارقام به صورت کلی نیست، بلکه ناظر باید در مورد مطالبی مانند قدرت مدیریت بانک، توانایی سیستم‌ها و کنترل‌های بانک، قابلیت دوام استراتژی و درآمد‌های بالقوه بانک قضاوت کیفی هم داشته باشد. یکی از کمبودهای بیانیه فعلی این است که اهمیت این مطلب را نادیده گرفته است که یک نسبت ساده مانند سرمایه بانک به دارایی‌های موزون شده، فقط زمانی معنا دارد که آن را در مفهوم و حوزه وسیع‌تر و کلیه ریسک‌هایی که بانک با آنها روبروست، در نظر بگیریم. بسیار اتفاق افتاده است که بانکی که براساس این معیار، ظاهراً سرمایه خوبی دارد، بعد از مدت کوتاهی، مشخص شده که کاملاً آسیب‌پذیر است. در حقیقت، وجود حداقل نسبت کفایت سرمایه ممکن است به بانکداران، بازار و نظار، یک احساس کاذب امنیت بدهد، اتفاقی که در جریان بحران آسیا شاهد آن بودیم. کمیته بال قصد دارد تا با تجدیدنظر در نحوه نظارت، یعنی دومین قطب سند مشورتی، اطمینان حاصل نماید که نظارت بر بانک‌ها از جنبه کیفی مورد غفلت قرار نخواهد گرفت.

تاکید بیشتر بر روی تجدیدنظر در نحوه نظارت برای بیشتر کشورهای در حال ظهور و در حال توسعه، معنایش افزایش مهارت‌های نظارتی و آماده کردن پرسنل بیشتر و کارآتر است. بازارهای در حال ظهور و بازار سایر کشورهای در حال توسعه، باید توانایی نظارت بر بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی را افزایش دهند و از جمله عوامل اصلی چنین برخوردی، که باید در مواقع لزوم از کمک فنی خارجی نیز استفاده کنند، عبارتند از: ارزیابی تشخیصی از نحوه برخورد کلی با نظارت، بررسی بر مبنای ریسک در بازرسی‌های محلی، طرح سیستم‌های مؤثری که در نظارت Off-Site اخطار و آگاهی به موقع بدهد، پیگیری دقیق نقاط ضعفی که در بازرسی‌های On-Site و Off-Site مشخص می‌شود، و بالاخره، بکارگیری برنامه آموزش جامع برای نظار بانکی.

روشن است که اجرای این استراتژی نمی‌تواند در مدت کوتاهی تکمیل شود. و لازم است که نظار کشورهای در حال ظهور و توسعه یافته، هم‌اکنون برنامه‌ریزی برای ایجاد ظرفیت‌های لازم نظارتی را آغاز کنند تا بتوانند قطب دوم را به یک حقیقت اجرایی تبدیل نمایند.

استفاده بیشتر از نظم بازار: در مورد سومین و آخرین قطب، نسبت به دو قطب دیگر، کار کمتری انجام شده است. در این مرحله، استفاده بیشتر از نظم بازار به عنوان یکی از جنبه‌های فرعی فرآیند نظارت پیش‌بینی شده است. این بحث ممکن است به این معنی باشد که نظار بیش از پیش در کار خود به اطلاعات بازار وابسته باشند، اما همچنین، ممکن است نهایتاً به این صورت در بیاید که نظم بازار به عنوان جایگزینی برای قسمتی از نظارت رسمی بر بخش‌ها به شمار آید.

یکی از پیشنهادها بسیار بحث‌انگیز در این خصوص این است که بانک‌ها باید ملزم باشند که به طور منظم وام‌های

○ چنانچه سیستم‌های داخلی بانک‌ها بخواهند برای مقاصد نظارتی بکار گرفته شوند، استاندارد کردن بیشتر این سیستم‌ها ضروری است و تمایل فعلی کمیته بسال در مورد این سیستم‌ها نیز شروع یک فسرایند طولانی توسعه بیشتر و تکمیل و بالایش آنهاست.